

حفظ پاکی و تقویت صداقت انقلابی (به قلم رائول کاسترو)

یا ما قادر به آگاه و متقاعد ساختن خلقمان خواهیم شد ، یا این که دشمن این وظیفه را عهده دار خواهد شد

کار و حرکت ایدئولوژیک حزب و دولت نمی تواند (هر چند که اغلب بوده)، دگماتیک، خیلی کلی و یا سطحی باشد. هدف از این کار متقاعد کردن توده های مردم است و کار اقناعی نیز می باید بر شیوه ای که قادر باشد نحوه اندیشیدن و عمل کردن را تغییر دهد، متکی باشد. دو راه بیشتر در برابر ما وجود ندارد: یا ما قادر به آگاه و متقاعد ساختن خلقمان خواهیم گشت، یا این که دشمن این وظیفه را عهده دار خواهد شد. دشمن آشکار و نهان انقلاب و ملت. در فعالیت ایدئولوژیک مهمترین مسئله، فراموش نکردن فرد مخاطب است. فعالیت ایدئولوژیک ما نمی تواند در مورد شخص و گروه، در مورد زحمتکشان و روشنفکران، در مورد کارگر و دهقان، در مورد دکتر و زن خانه دار، فرد سالمند که مضرات جامعه سرمایه داری را در گذشته چشیده و بعد از پیروزی انقلاب در دوران شکوهمند نیز مشارکت نموده و جوان بی تجربه که سئوالات بیشماری برایش طرح است و از یکسری تخیلات و افکار باطل تغذیه می شود، یکسان باشد.

در عین حال بایستی بدقت از نقطه نظر سیاسی شرایط امروز و فردا را ارزیابی نمود تا به شیوه استدلال و اقناع مطلوبی دست یافت. سخنرانی بر روی باریکاد و گفتگوی متین، پرصبر و حوصله، هر کدام زمان خود را دارد. بحث ایدئولوژیک بین انقلابیون در چارچوب نهادهای موجود می باید به عنوان یک ابزار ارزشمند در کار ما حفظ شود. برای نیل به نتیجه مطلوب و مورد دلخواه، بایستی انواع شیوه ها و زبان ها را مورد استفاده قرار دهیم. تمام این شیوه ها می باید بر سر اصول انقلابی و وطن پرستانه یکسان باشند.

نتیجه یک تحقیق که در حدود یکسال پیش در مورد نحوه کار حزب صورت گرفت، لزوم پرداختن به موضوعات و سئوالاتی که به طور مرتب و روزانه توسط دفاتر شهرداری ها، سازمانهای بدنه و توده ای حزب ارائه می شود را در دستور روز قرار داد. این سئوالات، همگی بر سر یک موضوع مشترکند: پافشاری و تأکید بر وظایف ایدئولوژیک، توضیح به کادرها و هواداران در مورد لزوم قانونی نمودن داشتن دلار و اصولی بودن سیاست نزدیکی با جامعه کوبایی الاصل مقیم خارج از کشور.

این نظرسنجی هم چنین نشان داد که ۱۳/۵ درصد از هواداران یا قادر به درک چنین تصمیمات و سیاست هایی نیستند و یا بکلی با آن ها مخالفند. معهذاً، در گردهمایی های بعدی، ما هرگز تأثیرات سیاسی - ایدئولوژیکی وضع چنین موازینی، بر هواداران استانهای مورد نظر و بر توده مردم در کل را مورد بررسی قرار ندادیم. از همین مطالعات استخراج می شود که هواداران ما در ابعاد غیرقابل انکاری معتقدند که جلسات هسته های حزبی شان نمی تواند به طرز صحیحی مشکلات واقعی مراکز کاری شان را طرح، و حل و فصل نماید. این ارزیابی نادرست، باعث می شود که در یکسری مناطق بر توان حل و فائق آمدن بر مشکلات و پاسخگویی بر مسائل معلق، شک و تردید و نوعی بی اعتمادی و ناامیدی بوجود آید.

هر چند که این نظر سنجی نمی تواند در کلیت خود داده های صحیحی را ارائه دهد، اما با وجود این ما معتقدیم که نتایج آن می تواند به عنوان زنگ خطر دائمی در مورد هر چیزی که به فعالیت و کار حزب مربوط می شود، ارزیابی شود.

این بررسی به ما خاطر نشان می سازد که مجموعه سیاستهایی که در مورد تغییرات اقتصادی اتخاذ و به مورد اجراء گذارده شده اند، می باید با کار فعال ایدئولوژیک حزب همراه باشند. ماهیت چنین کار ایدئولوژیک، می

باید پیشگیری و خنثی نمودن اثرات و عوارض تغییرات اقتصادی باشد.

«فاز اول» و «فاز دوم» استراتژی تکمیلی آمریکا علیه کوبا

استراتژی آمریکا که به نام «فاز اول» علیه کوبا خوانده می شود، محاصره ای است که هدفش از پای درآوردن اقتصادی می باشد. «فاز دوم» تحقق نظریه انهدام درونی از طریق تخریب اندرونی کشور می باشد. این دو سیاست مکمل همدیگر هستند.

اولین مسئله ای که ما، انقلابیون، می باید توجه خود را بدان معطوف داریم، تصویب قانون هلمز برتن Helms-Burton می باشد. این مصوبه بطور ناسالم، مضر و موزیانه ای وسعت عمل «فاز اول» را گسترش می دهد و ما نباید به اشتباه افتاده و فکر کنیم که دشمن با تصویب «فاز اول» قصد فراموش کردن و کنار گذاشتن «فاز دوم» را دارد. با تصویب این مصوبه، تلاش برای افشاندن بذر اخلاص و بی نظمی، بی اعتمادی و ناسازگاری برای تجزیه خلق کوبا، به منظور ایجاد جو نارضایتی، مقاومت آرام، منفی و احتمالا بی نظمی بیش از پیش تشدید و تقویت خواهد شد. بدین ترتیب دستجات راست فوق افراطی در ایالات متحده بهانه لازم را برای توسل به عملیات نظامی بدست خواهند آورد. این بهانه ها، بجای کاهش، روز به روز افزایش خواهند یافت. دشمن در جستجوی راههای جدید نفوذ است. در این رابطه وی سعی خواهد نمود، بیش از پیش از کانال هایی که تاکنون از طریق اروپا و یا دیگر مراکز قاره آمریکا ایجاد شده است، استفاده نماید.

دشمن همچنین هدف خود مبنی بر استفاده از برخی سازمانهای جهانی به اصطلاح غیردولتی (ONG) به عنوان اسب تروا را، پنهان نمی دارد. این نهادها که اخیرا در کوبا مستقر شده اند، وظیفه ای جز ایجاد تجزیه و تخریب ندارند. دشمن برای پوشش تئوریک و عوام پسند این سازمانهای غیردولتی، می افزاید که این نهادها معرف جامعه مدنی هستند. توصیفی که برای شخصیت هایی مانند Richard Nuccio مشاور کاخ سفید برای امور کوبا نیز آورده می شود.

روشنفکران وابسته به دولت آمریکا نیز نظریه ای مشابه این خط و خطوط ارائه می دهند. منظور من نویسنده کتاب، کوبا: بحران و گذار، که توسط دانشگاه میامی منتشر شده است، می باشد. این کتاب، به شیوه خود، جامعه مدنی کوبا را به عنوان پیکری کاملاً جدا از دولت، توصیف می نماید. جامعه مدنی که می تواند علیه دولت به مخالفت برخاسته و حتی قادر به انهدام آن است. این پیکر «قدرتمند» از قرار معلوم متشکل از گروههای مشترک المنافع، با اهداف مشترک می باشد. نویسنده به عنوان مثال از کلکسیونرهای تمپر، از شیفته گان ورزش یوگا، از بازیکنان بسکتبال، از نقاشان، از نوازندگان، فارغ التحصیلان مدرسه مذهبی santeria، و حتی از طرفداران نظام قانونی در نامیبیا اسم می برد. نویسنده این کتاب معتقد است که «هر گونه ابزار و بهانه ای برای متشکل ساختن طیفی مستقل از دولت، اقدام و تلاشی موجه و منطقی است».

در بخش دیگری از کتاب، نویسنده می افزاید: «توسعه جامعه مدنی کوبا، می باید از طریق تقویت ارتباط و تماس با جامعه تبعیدی، به منظور جلب اعتماد، کاهش بدبینی و سوءظن، تدارک کمک و حمایت متقابل دنبال شود. طبعاً، این فعالیت ها می باید تلاشی کاملاً آرام بوده و به هیچ وجه جنبه غیرقانونی و فتنه گرانه بخود نگیرد. باید در نظر داشت که هدف از پای درآوردن و سرنگون ساختن رژیم کاسترو در یک روز نیست، بلکه تغییر روز به روز و تدریجی آن مد نظر می باشد».

با تشریح چگونگی به مرحله اجراء درآوردن این نظریات، نویسنده نمونه هایی از مقاومت مدنی و نافرمانی مدنی (عدم پرداخت مالیات ها، اعتراض در مورد همه چیز و هیچ چیز)، را بر می شمارد. عواملی که می توانند به خیزش اجتماعی که به نوبه خود می تواند به عنوان دستاویزی برای شروع تجاوز علنی آمریکا تحت پوشش بهانه های

عوامل پسند و به ظاهر بسیار قابل قبول تر از دلایل عوامل ضدانقلابی خارجی که عنوان می سازند، باشد.

جامعه مدنی از دیدگاه ما و ایالات متحده

جامعه مدنی ما، به عبارت دقیق تر، همان جامعه مدنی سوسیالیستی می باشد که سازمانهای پر قدرت توده ای از قبیل CTC (سازمان مرکزی سندیکاهاى کوبا)، CDR (کمیته دفاع از انقلاب)، FMC (فدراسیون زنان کوبا)، ANAP (انجمن ملی کشاورزان خرد)، FEU (فدراسیون دانشجویان دانشگاه)، FEEM (فدراسیون دانشجویان آموزش متوسطه) و پیشقراولان را، در برمی گیرد. همینطور گروه های اجتماعی شامل: گردان رزمندگان انترناسیونالیست، اقتصاددانان، حقوق دانان، روزنامه نگاران، هنرمندان و نویسندگان و همچنین سازمانهای غیردولتی مختلف. این گروه ها در نهایت قانونیت فعالیت کرده و به هیچ وجه سعی ندارند خدشه ای بر نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که آزادانه توسط خلق کوبا انتخاب شده است، وارد آورند. حتی اگر افراد این سازمانهای غیردولتی، خصوصیات و اصطلاحات مختص به خود را، در ارتباط با دولت انقلابی دارند، اما همگی آنها در راستای هدف مشترک، ساختمان سوسیالیسم، انجام وظیفه می نمایند.

همینطور سازمانهای غیردولتی بسیاری در اقصی نقاط جهان وجود دارند که به هیچ وجه دشمن خلق ما نیستند، بسیاری از آنها در حوزه جغرافیایی خود، با احترام به استقلال، هویت ملی و راه سوسیالیسم، مشوق همبستگی با کوبا هستند.

ما باید خیلی کور ذهن و احمق باشیم تا قادر به مشاهده دخالت های سازمانهایی از نوع سازمانهای غیردولتی، که ادعا می شود حکومتی نیستند، نباشیم. نهادهایی که تنها هدفشان بازگرداندن دوباره کوبای سوسیالیست به دوران بردگی و تبدیل آن به چیزی همانند پورتوریکو، اما بیش از پیش وابسته تر می باشد. این سازمانها در تلاش اند مخالفینی را در درون جامعه کوبا پیدا کنند، تا از این طریق بتوانند در امور داخلی ما مداخله نمایند. باید قبول کرد که ما در ارائه یک ارزیابی مشروح و دقیق از تحركات و اقدامات این سازمانها و اتخاذ تصمیمات لازم برای رویارویی با آنها خیلی کند عمل کرده ایم.

بحث در این زمینه را می توان با بررسی وضعیت مرکز مطالعات وابسته به کمیته مرکزی حزب شروع نمائیم. تاریخ تشکیل این نهادها به سال ۱۹۷۶ برمی گردد. علت و نفس تشکیل این نهادها، هنوز هم مشروع و معتبر است. ما در مورد برخورد به این نهادها، سر موقع عکس العمل نشان ندادیم. سلانه سلانه پله ای را امروز و پله ای را فردا بالا رفتیم. و در نهایت سادگی، خوش باوری، بی پیرایگی و فضل فروشی - اصول کلاسیک را به بهای مسافرت به خارج و انتشار مقالات و کتابها، با یاری هر کسی که حاضر به کمک مالی باشد، کنار گذاشتیم. بسیاری از رفقا به دام تار عنکبوتی که توسط متخصصین خارجی حاضر در کوبا، که در واقعیت امر مطابق استراتژی شان مبنی بر ایجاد ستون پنجم، برای ایالات متحده کار می کردند، افتادند. مرکز مطالعات آمریکا CEA یکی از نهادهایی بود که به دام این متخصصین خارجی افتاد.

به منظور نشان دادن چگونگی پی بردن دشمن به کندی ما در چارچوب اهداف «فاز دوم»، در اینجا به بخشهایی از یک مقاله طولانی اشاره می کنم. این مقاله در فوریه ۱۹۹۵ توسط یک متخصص دانشگاهی در مسائل کوبا، به رشته تحریر درآمده است. نویسنده، روشنفکر انگلیسی است که در آمریکا سکونت دارد. وی Gillian Gunn نام دارد. او در این مقاله می نویسد: «بعضی از «کانون های اندیشه» که سابقاً در ارتباط با کمیته مرکزی بوده و امروزه بنام سازمانهای غیردولتی خوانده می شوند، عبارتند از: مرکز مطالعات آمریکا (CEA) و مرکز مطالعات اروپا (CEE). این دو سازمان در طی سالهای ۷۰ پایه گذاری شدند. هدف عمده آنها انجام تحقیقات نظری (آکادمیکی) برای کمیته مرکزی بود. با وجودی که کمیته مرکزی همیشه از امکانات مالی مهمی برخوردار بوده، اما بخش مهمی از بودجه این سازمانها از منابع خارجی تأمین می شد».

«وقایع اتحاد شوروی محرک مهم و اساسی بود. گلاسنوست موجب رشد سازمانهای غیردولتی شوروی شد. و بر طبق مطبوعات مسکو در سال ۱۹۸۸، چهل هزار کلوب و انجمن در این کشور یکشنبه از زمین سبز شده بودند. در آن دوران به موجب رابطه نزدیک بین هاوانا و مسکو، بسیاری از روشنفکران کوبایی در ارتباط و در دسترس بسیاری از این گروههای مدافع آزادی مذهب، فرهنگ توده ای، حمایت از محیط زیست و توسعه اجتماعی - اقتصادی، قرار داشتند».

وی ادامه می دهد: «اگر کوبا به اجرای اصلاحات در راستای اقتصاد بازار ادامه دهد، محتمل است که بدنبال سیاست عدم تمرکز و اعطاء استقلال نسبی، فضا برای تشکیل سازمانهای غیردولتی قانونی بیش از پیش بازتر و مهیاتر شود. در چنین شرایطی افزایش کمک های خارجی، می تواند استقلال آنها را تقویت نماید. معهذ، تا زمانی که نظام مبتنی بر حزب واحد، دست نخورده باقی بماند، سازمانهای غیردولتی کوبایی مجبورند تعهدات چندی را در مورد دولت بر عهده گیرند».

«سازمانهای غیردولتی کوبایی: دنبالچه های حکومت، یا هسته های اولیه جامعه مدنی؟ جواب بدین سؤال از زاویه نظری و معنوی چندان خوشحال کننده نیست. واقعیت این است که سازمان های غیر دولتی کوبایی هر دو این خاصیت را دارا می باشند. هر چند که عامل دوم به مرور در حال رشد و باروری است».

بسیاری از مراکز دانشگاهی آمریکا، به طرز روشن و بارزی، در سیاست داخلی ما مداخله می نمایند. آنهایی که در نظر دارند سازمانهای غیردولتی را به عنوان دکورهای متحرک برای سازمانهای اخلاقی، مخرب و ضدانقلابی موجود مورد استفاده قرار دهند یا متعلق و وابسته به امپریالیستها هستند، یا از سوی آنها برای از پای درآوردن و منهدم ساختن انقلاب و استقلال کوبا مورد تشویق و قدردانی قرار می گیرند. من به چنین جماعتی صریحا اعلام می نمایم که آنها کوچکترین شانس موفقیتی در کشور ما ندارند. به موجب تجربه تأسف بارمان در مورد مطالعات آمریکا، ما باید کار مرکز مطالعات اروپا و تمام دیگر مراکز را مورد بررسی مجدد قرار دهیم. حزب ما نیازمند یک تجزیه و تحلیل ژرف از تمام مسائلی است که تا امروز مورد تأیید بوده اند. همین اواخر ما موفق به اتخاذ خط و مشی واحد، منطقی و جسورانه برای حرکت در اوضاع بین المللی حاضر شده ایم.

نهادها و سازمانها، قبل از هر چیز، می باید، در خدمت منافع خلق ما باشند.

اتخاذ یک تصمیم بی طرف یا مبهم برای احترام از رویارویی با موضوعات بحث انگیز، چیزی جز تجلی ضعف، سستی، ناستواری و بی ارادگی غیرقابل قبول در برابر فرد مخاطب نمی باشد. و این نوع رفتار حق دادن به طرف مقابل است.

با چه کسانی می باید این مشکلات را مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم؟

با هر کس و در هر جا که امکان این کار فراهم باشد. نه تنها با آنهایی که، با داشتن کارت حزب در جیب شان، مدتی است که نظرات و مواضعی خلاف مواضع حزب دارند، (هر چند که بایستی توافق کامل در فعالیت ها برقرار باشد) بلکه همینطور با آنهایی که در مراکز مطالعاتی، رفتاری منفعل، چاپلوسانه و غیر مسئول در مقابل عواملی که نهادها را از هدف اصلی و مدون شان، دور می سازند، دارند.

موضوع دیگری که از سوی کمیته مرکزی و تمام حزب می باید در اسرع وقت مورد توجه قرار گیرد، نوعی گلاسنوست است که این اواخر حتی در کوبای ما توانسته است به صورت ماهرانه و دقیقی ابراز وجود نماید. گلاسنوستی که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را به مرور از پای درآورد، بر واگذاری و اعطاء منابع خبری و رادیو و تلویزیون به دشمنان سوسیالیسم، استوار بود. در ابتدا، آنهایی که خود را به عنوان مبتکرین و قهرمانان به حرکت درآوردن تمام مردم معرفی می کردند، به مرور شروع به حذف مقولات مربوط

به انقلاب و انقلابیون از کتابهای تاریخ نمودند. این کارها، نتایجی را به دنبال داشت که همگی بر آن آگاهیم، که از بین آنها می توان تجزیه و اضمحلال بزرگترین کشور جهان را برشمرد.

با تکیه بر چنین تجربه ای، ما کوبایی ها، اعلام می داریم که تنها مطبوعاتی واقعا آزاد هستند که در خدمت منافع و آزادی خلق، و نه استعمارگرانی که در لجنزار میامی در انتظار بسر می برند، باشند. ما همچنان پاسدار و مدافع پیگیر این سنت بوده و خواهیم بود.

این پرنسیپ ما کاملا روشن و واضح است و مطبوعات سراسری و منطقه ای ما کاملا صدیق و راستگو هستند. این مطبوعات در دوره نقد سازنده و ارائه اخبار معتبر، سرافرازانه از بوته آزمایش بیرون آمده اند.

ما با راحتی و به آسانی گارد خود را پائین آوردیم، ما نتوانستیم احترام و پیروی از اصول خود را تضمین نمائیم، و بدین ترتیب نشریاتی بیرون آمدند که به طور آشکار و علنی صفحات خود را در اختیار بهترین خریداران قرار می دادند. همینطور، آنها هیچ ترس و ابایی از گفتن این که از خارج کمک هایی را دریافت خواهند داشت، نداشتند. که به هیچ وجه حاضر به چشم پوشی از عقاید خود نیستند، و از کمک هایی که بعضی از نهادهای فرهنگی کشور در اختیار آنها قرار می دهند، نیز استفاده می نمایند. در این نشریات، در کنار مقالات جالب و از نظر سیاسی صحیح، نوشته های بسیاری به چشم می خورد که تفاوت چندانی بامقالات دانشگاهیان آمریکایی که دشمنان انقلاب ما می باشند، نداشتند. این نوشته ها زبان به ظاهر انقلابی را مورد استفاده قرار می دهند تا بدین ترتیب پرده غباری در برابر اهداف و نیت واقعی خود کشیده باشند.

البته سعی شد تا نشریه «اندیشه انتقادی»، **pensamiento critico**، مجله ای که در طی سالهای ۶۰ نقش نمونه ای را برای بسیاری از نشریات تخصصی، ایفاء می نمود را مورد استفاده قرار دهند. این مجله در دوران خود، همانند تعدادی از نوشته هایی که در این اواخر دست به دست می گردند، آگاهانه و ناآگاهانه، با آنهایی در ارتباط بود که خواهان تشویق و حمایت برای ایجاد ستون پنجم در کوبا بودند.

افرادی هستند که حاضر به خدمت و فعالیت در امور برون مرزی هستند، در حالیکه به هیچ وجه اجازه این کار را ندارند، یا بدتر از آن، یکسری تماس هایی را با سرویس های اطلاعاتی خارجی برای خود و با مسئولیت خودشان برقرار می سازند. حتی اگر این تماس ها با عالیتترین نیت ها همراه باشد، ما نمی توانیم این گونه رفتاری را اجازه داده و تحمل نمائیم. چرا که این کار مانعی در برابر کار مسئولانه و حساس آنهایی است که توسط قانون برای چنین وظایفی مجاز شده اند.

امروزه، مهمترین کار و هدف همه ما، من بر روی واژه «همه» تأکید می کنم، باید به صورتی باشد که در بین این همه تغییرات و مشکلات کهنه و جدید، نقش رهبری، بیش از پیش، پاسداری شود. تمام تلاش دشمن در زمینه نظری، در تضعیف تضمین رهبری علمی و در عین حال انقلابی و قهرمانانه خلق ما خلاصه می شود.

حزب ما دست روی دست نمی گذارد

حزب ما دست روی دست نمی گذارد. حزب اقدام به اتخاذ موازین لازم در وضعیت جنگ و جدال کنونی و آتی در تمام جبهه ها، و بویژه در عرصه نظری خواهد نمود و این کار را همچنان ادامه خواهد داد. امروزه ما بایستی بیش از پیش، کار ایدئولوژیک حزب را در سرلوحه وظایف و مأموریت های رزمنده خود قرار دهیم.

ما از سوسیالیسم موجود پاسداری کرده و تا پای جان از آن دفاع خواهیم نمود. معهذاً، تنها سوسیالیسم اکنون ممکن در کوبا، ما را مجبور می سازد تا بیش از پیش عوامل دشوار برای کنترل از قبیل روابط پولی، تجاری و حتی بعضی قواعد سرمایه داری به منظور وارد ساختن مجدد اقتصادمان در زنجیره اقتصاد جهانی را با واقعیت های کوبای امروز مطابقت دهیم. جهانی با شمال ثروتمند و جنوبی فقیر، جهانی تحت تسلط انحصارات قدرتهای امپریالیستی،

که در عین حال شریک و رقیب هم بشمار می آیند. همانگونه که رئیس جمهورمان فیدل کاسترو اشاره نموده است، چشم اندازی با چنین وصف و ترکیب، ما را مصرانه برای تلاش و فداکاری بخاطر دستیابی به اهداف سوسیالیستی فرا می خواند. در این نبرد سترگ و تاریخی وظیفه داریم حداکثر نیرو را با مقدار کافی از آگاهی و شعور بکار گیریم. در موقع اجراء تئوری هایی که به مثابه چراغ راهنمای ما می باشند، وظیفه مندیم یک اصل اساسی را به هر قیمت و برای همیشه دنبال نموده و بدان وفادار بمانیم: **حفظ و تقویت صداقت و پاکی انقلابی.**

«ترجمه خلاصه شده گزارش دفتر سیاسی حزب کمونیست کوبا، مصوبه پنجمین پلنوم کمیته مرکزی»

به نقل از کار شماره ۲۲۹ ارگان مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران